■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۲۹۲ ■ یکشنبه ■ ۱۱ اسفند ۱۳۹۸

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم – همشهری – سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

اذان ظهر ۱۲/۱۶ | اذان مغرب ۱۸/۱۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | اذان صبح فردا ۵/۰۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۲

سخن روز

امام صادق علیه السلام:
سه چیز است که محبت آورد: قرض دادن و فروتنی و بخشش.
تحف العقول ص ۳۱۶

علی عطشانی:
مهم ختم به خیر شدن شیوع «کرونا»ست



مهم‌تر از بحث تعطیلی اکران و وضعیت فیلم، این برایم مهم است که هر چه زودتر ماجرای شیوع این ویروس ختم به خیر شود و همه مردم حالشان خوب باشد و کسی مشکل نداشته باشد.

بخشی از صحبت‌های کارگردان «یادم تو را فراموش» با ایسنا

محسن امیر یوسفی:
در بیان اعتقادت شجاعت داری



تو همواره در بیان آنچه به آن اعتقاد داری شجاعت و صراحت داری، چه خوش‌مان بیاید یا نیاید. مثل آن سالی که در میان بهت همگان از مشاور دبیر جشنواره فجر بودن استعفا دادی و مواهب و منافع آن را یکجا به دیگران بخشیدی و من آن را هرگز فراموش نمی‌کنم.

بخشی از پیام تبریک این کارگردان به شهاب حسینی



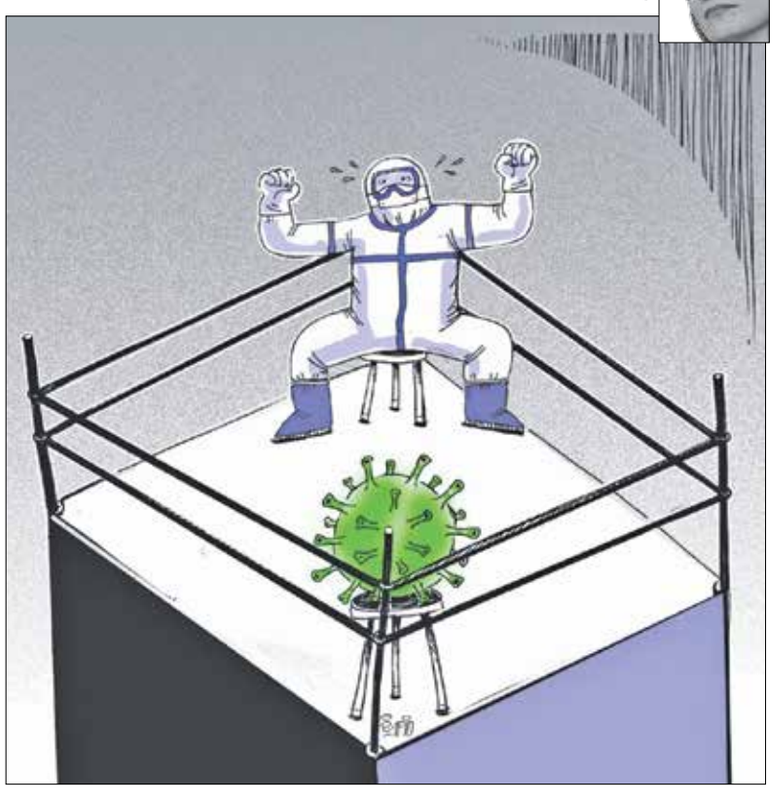
بدبختی وقتی است
که نت عوضی نواخته
می‌شود.
چون نت شما بانت
همسفرتان درهم
نمی‌آمیزد.

دیوانه بازی/ کریستین بوبن/ پرویز شهدی

نگاره
فیروزه مظفری



پهلوانان گمنام



مرتضی دلشب از اساتید ایرانی درگذشت

مجتهد در موسیقی

یاد

مرتضی دلشب از موسیقیدان‌های پیشکسوت و مدرس تئوری موسیقی و سلفژ روزگذشته دهم اسفند ماه درگذشت؛ درست همان تاریخی که متولد شده بود. زنده‌یاد دلشب متولد ۱۰ اسفند ۱۳۲۵ بود و پس از ۷۳ سال زندگی و ماه‌ها مبارزه با بیماری دارفانی را وداع گفت. او در سال ۱۳۴۶ از هنرستان موسیقی ملی فارغ‌التحصیل شد و پس از آن در سال ۱۳۴۹ ادامه تحصیلات موسیقی خود را در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران پی گرفت و در سال ۱۳۵۲ مدرک کارشناسی موسیقی را دریافت کرد و از همان سال به تدریس موسیقی مشغول شد. مرتضی دلشب سابقه تدریس در مدرسه هنر اداره ارشاد مشهد، دانشگاه علامه طباطبایی مشهد، مرکز موسیقی بین‌المللی وابسته به مرکز آموزش صدا و سیما، هنرستان صدا و سیما، هنرستان موسیقی دختران و پسران، دانشگاه تربیت معلم، جهاد دانشگاهی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی را داشت. وی همچنین مسئول کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان صدا و سیما مرکز مشهد (تا سال ۱۳۵۹) و مسئول هماهنگی رادیو تهران (۱۳۶۶) بوده است و نیز سابقه عضویت در اولین دوره کانون مدرسان خانه موسیقی به عنوان برنامه‌ریز آموزشی و عضویت در شورای موسیقی وزارت ارشاد (۱۳۸۱-۱۳۷۹) را داشت.



کیوان ساکت
نوازنده پیشکسوت تار و سه تار

زنده یاد مرتضی دلشب را از روزگار نوجوانی می‌شناختم؛ آشنایی من با او به دو- سه سال پیش از انقلاب برمی گردد. دلشب از فارغ التحصیلان دانشگاه تهران در رشته نوازندگی کلارینت بود اما بیشتر علاقه داشت تئوری موسیقی و سلفژ درس بدهد. البته ناگفته نماند از معدود افرادی بود که گوش ابسولوت یا کامل داشت و قادر بود صداهای موسیقی را به خوبی تشخیص دهد. دلشب زمانی که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد(سال ۱۳۵۵) فعالیت خود را در صدا و سیمای وقت آغاز کرد و در همان هنگام مأموریت یافت تا کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان را- درتمامی رشته‌های موسیقی- درشهر مشهد راه اندازی کند. ایشان علاوه بر اینکه ریاست این کارگاه آموزشی را برعهده داشتند تدریس سلفژ و تئوری موسیقی را هم عهده دار بودند و البته معلمان ساکن در شهر مشهد نیز دراین کارگاه مشغول به کار شدند و انصافاً موفق هم عمل کردند. ناگفته نماند درآن هنگام و در شهر مشهد در موسیقی ایرانی و بویژه موسیقی علمی خیلی کم کار شده بود؛ درواقع کسانی هم آشنا به این موضوع نبودند تا بتوانند موسیقی را به درستی به مردم معرفی کنند و تنها کسی که به‌طور علمی در مشهد تدریس می‌کرد استاد ظهرالدینی از نوادگان آقا حسینقلی، از نوازندگان سرشناس تار اواخر دوران قاجار بود و درجهت رایج کردن موسیقی علمی و خط نت، تلاش‌های بسیاری انجام داد، اما بعد از آن دیگر کاری انجام نگرفت و زنده یاد مرتضی دلشب با تعلیم و تربیتی که در موسیقی داشتند گام بزرگی برای این هنر والا برداشت. زمانی که آقای دلشب کارگاه موسیقی را راه اندازی کرد، دایی من آقای منوچهر زمانیان- که اولین معلم موسیقی من بود- درآن کارگاه تدریس ساز تار داشت. منوچهر زمانیان سال‌ها شاگرد شخصی بود به نام استاد جوان که خود یکی از نخستین فارغ التحصیلان مدرسه عالی موسیقی وزیری بود و با خط نت موسیقی کاملاً آشنا و از معدود کسانی بود که تئوری موسیقی را به خوبی می‌شناخت و در محضر کلنل وزیری آموزش دیده بود. البته آن زمان که من موسیقی را آغاز کردم متأسفانه آقای جوان فوت کرده بودند و سال‌ها پس از آن به‌طور اتفاقی فرزند بزرگ استاد جوان به نام آقای فرهاد جوان برای یادگیری تار به من مراجعه کردند، گردش روزگار گاهی خیلی عجیب است...

دورانی که برای آموزش تار به کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان رفتم حدود ۱۴ ساله بودم و هرگز از یادم نمی‌رود که آنجا فضای بسیار فرهنگی و دلنشین داشت با خاطرات شیرین آن دوران.... پس از آن دایی‌ام برای ادامه تحصیل ناگزیر به شهر اصفهان رفت و من و حدود ده، دوازده کودک قد و نیم قد دیگر که در آنجا مشغول به آموختن و یادگیری بودیم بی‌هنرآموز ماندیم تا یک تابستان که آقای حمید متبسم(دوست داییم) که ایشان نیز مشهدی هستند برای ادامه تدریس به ما به کارگاه دعوت شدند تا آنکه تابستان بعد از آن انقلاب شد و کارگاه موسیقی تعطیل شد. پس ازمدتی آقای دلشب به تهران برگشت ولی دوباره پس از چند سال در حالی که دیگر در تلویزیون کار نمی‌کرد، به شهر مشهد بازگشت. آن زمان من در خانه شخصی‌ام به چند نفری موسیقی درس می‌دادم و برخی از دوستانی که موقعیت تدریس در جایی را نداشتند بدون هیچ چشمداشتی به این کلاس دعوت می‌کردم؛ مانند آقای محمد خواجوی نوازنده تنبک و فلوت که در کارگاه موسیقی با هم آشنا شده بودیم. آقای دلشب هم آن زمان به تازگی ازدواج کرده بود و با خوشحالی ایشان را به کسانی که مایل بودند پیانو یا موسیقی بیاموزند معرفی کردم و در منزل من آغاز به تدریس کردند. پس از مدتی دوباره ایشان به تهران برگشتند و مدتی ایشان را ندیدم تا اینکه آمدم تهران و به دعوت دکتر امیر اشرف آریان‌پور به تدریس موسیقی در دانشگاه آزاد مشغول شدم(بیش از ۲۰ سال در این دانشگاه درس دادم) آنجا دوباره توفیقی بود تا بار دیگر با آقای مرتضی دلشب دیداری تازه کنیم. هر دوی ما در هیأت ژوری دانشگاه بودیم و خاطرات شیرین آن روزگار بار دیگر زنده شد... درواقع می‌توانم بگویم اگر استاد مرتضی دلشب کارگاه موسیقی را راه اندازی نمی‌کردند شاید هرگز راه موسیقی و فرهنگ ایران را به‌صورت جدی دنبال نمی‌کردم؛ من آموزش‌های اولیه موسیقی را مدیون زحمات ایشان هستم.



کتاب‌های تألیفی نیازمند حمایت مردم

یادداشت روز

در کنار فهرستی که هر ساله از سوی «شورای کتاب کودک» در معرفی آثار شاخص و برخوردار از استانداردهای لازم برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود؛ شهر کتاب مرکزی هم مدت‌هاست دست به انتشار فهرستی با عنوان لاک پشت پرنده می‌زند. در هشتمین دوره انتخاب این فهرست با اعطای نشان ویژه به هوشنگ مرادی کرمانی و مهرنوش معصومیان از سال‌ها فعالیت ادبی آنان تقدیر شد. جعفر توزنده جانی از جمله نویسندگانی است که در داوری این دوره حضور داشته، ارزیابی او درباره وضعیت کتاب‌های منتشر شده این گروه سنی را می‌خوانید.



جعفر توزنده جانی
داور نشان لاک پشت پرنده

این دوره از اعطای نشان طلایی و نقره‌ای فهرست لاک پشت پرنده به کتاب‌های کودک و نوجوان منتشر شده در سال ۱۳۹۷ تعلق داشت که من هم به‌همراه برخی دوستان در هیأت داوران آن حضور داشتم. نگاهی هرچند گذرا به آثار منتشر شده طی سال گذشته گویای رشد کمی کتاب‌های منتشر شده در این گروه سنی است. در این بین باز سنگینی کفه ترازو بیشتر به سوی کتاب‌های ترجمه شده است که البته با شرایطی که نشرمان و در ابعاد گسترده‌تر اقتصاد کشورمان به آن دچار شده اتفاق عجیبی نیست. به‌هر حال ترجیح اغلب ناشران بر این است که به سراغ کتاب‌هایی بروند که حساب خود را پس داده‌اند و به عبارتی دست به گزینش بزنند. با هر یک از ناشران که صحبت کنید خواهند گفت که حتی اگر به‌دنبال خرید حق رایت کتاب مورد نظرشان باشند، هزینه‌ای که از این بابت پرداخت می‌کنند همچنان به صرفه‌تر است. وقتی قرار به انتشار کتاب تألیفی باشد ناشر ناچار به پرداخت هزینه‌های بیشتری می‌شود. اما این تنها مسائل اقتصادی نیست که نشر کودک و نوجوان‌مان را به سوی کتاب خارجی برده، تردیدی نیست که در این مسأله گلچین کردن آثار هم از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ ناشران و مترجمان به سراغ کتاب‌های برگزیده جوایز مختلف ادبی جهان می‌روند و این هم یکی از دلایل استقبال بیشتر از کتاب‌های آنان است؛ کتاب‌هایی که بخشی از آنها بهترین‌های جهان هستند. هر چند که این مسأله را هم نباید به پای همه ناشران نوشت چراکه حتی در شرایط فعلی نشر هم آنهایی که به شکل حرفه‌ای کار می‌کنند دقت بیشتری به خرج می‌دهند. از طرف دیگر در حوزه کتاب‌های تألیفی هم تا آنجا که در داوری این دوره نشان لاک پشت پرنده خوانده‌ام آثار تألیفی هم با تغییرات خوبی روبه‌رو شده است. شما اگر نگاهی به فهرست آثار برگزیده این دوره و حتی آنهایی که تا مرحله نیمه نهایی داوری بالا آمده‌اند توجه کنید با آثار خوب تألیفی متعددی روبه‌رو می‌شوید. بنابراین شاید بهتر باشد که فراتر از کمیت به تغییرات کیفی رخ داده در تألیف هم توجه کنیم. عرصه تألیف با توجه به شرایط حاکم بر اقتصادمان اوضاع و احوال چندان خوبی ندارد و به حمایتی همه جانبه نیاز دارد؛ البته این حمایت بهتر است از سمت مردم و اهالی کتاب باشد وگرنه مسئولان هر وقت قرار بر حمایت گذاشته‌اند افزون بر اینکه موفق نشده‌اند بلکه حتی به مشکلات هم دامن زده‌اند. بگذارید به نکته دیگری هم در رابطه با آثار تألیفی اشاره کنم، طی سال‌های اخیر اتفاق خوبی در حوزه کتاب‌های این گروه سنی رخ داده که نمی‌توان به آن بی‌توجه بود. برخلاف گذشته که نویسندگان فعالیت در این گروه سنی را ساده می‌پنداشتند، حالا مدتی است که بویژه در سال‌های اخیر نویسندگان علاقه‌مند متوجه شده‌اند که نوشتن برای کودکان و نوجوانان به هیچ وجه ساده نیست. با همه کم و کاستی‌هایی که متوجه این حوزه است باز هم نباید فراموش کرد ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات نوپایی است، حتی اگر بنای تولد آن را در کشورمان از مشروطه در نظر بگیریم بازهم زمان چندانی نگذشته است. همین که می‌بینیم نویسندگان فعالیت در این حوزه را جدی‌تر گرفته‌اند نشانه خوبی است؛ مسأله‌ای که در بررسی آثار این دوره لاک پشت پرنده هم در بحث مضمون و هم ساختار داستان خودنمایی می‌کرد.

کتابخوانی در قرنطینه

خبر آخر

همزمان با شیوع ویروس کرونا در ایران و پیشنهاد بیرون نیامدن از منزل از سوی مسئولان مربوط به پیشگیری و درمان این بیماری، بسیاری از اهالی قلم و ناشران به‌مخاطبان خود پیشنهاد مطالعه کتاب‌های ناخوانده خود را دادند و یکی از ناشران هم اقدام به برگزاری یک مسابقه جالب با عنوان «کتابخوانی در قرنطینه» برای مخاطبان خود کرد.
نشر و کتابفروشی آموت با انتشار فراخوانی درباره این مسابقه این‌طور توضیح داده است: «این روزها چالش بزرگی به اسم «کرونا ویروس» گرفتارمان کرده؛ ما را زندانی کرده؛ اسم قشنگش قرنطینه است. اما ما پیش از اینکه گرفتار کرونا ویروس بشویم و چالشش، گرفتار یک زندان بزرگ‌تر بودیم. ما زندانی چالش «کتاب‌هایی که نخوانده‌ایم» بودیم و این درد ما را در تنهایی‌هایی‌مان ذره ذره، نابود می‌کرد و حتی اگر بخواهیم واقع‌نگر باشیم، بسیار اوقات مانع حضورمان در کتابفروشی‌های محبوبمان شده بود.



حالا که در قرنطینه هستیم بهترین زمان است در کتابخانه‌های‌مان را باز کنیم و به کتاب‌هایی که نخوانده‌ایم، سلام کنیم.»
این ناشر و کتابفروش از مخاطبان خود خواسته تا پایان روز جمعه ۱۶ اسفند پس از خواندن کتاب‌های خوانده نشده و در کتابخانه مانده‌شان، اقدام به نوشتن یادداشت کوتاهی درباره آن کتاب یا کتاب‌ها کرده و از کتابخانه‌هایشان با آن کتاب عکس و در اینستاگرام به اشتراک بگذارند و به این ناشر نیز ارسال کنند. یوسف علیخانی مدیر نشر آموت اعلام کرده در پایان هفته جاری به ده اثر برگزیده که با این موضوع و با هشتگ کتابخوانی در قرنطینه منتشر شده‌اند هدایایی اهدا می‌کند.

هنردرمانی در روزهای بحرانی

حرف روز

بهارک بی‌گناه، نقاش و مدیر گالری بهارک، از نقش هنر در مواقع بحران می‌گوید؛ اینکه هنر چقدر می‌تواند در مواقعی که استرس‌ها و نگرانی‌ها افزایش یافته درمانگر روح و روانمان باشد.



بهارک بی‌گناه
مدیر گالری بهارک

یک سال و نیم است که با بچه‌های آسمان کار می‌کنم. بچه‌هایی که یتیم‌اند و دچار معلولیت جسمی و ذهنی. آنها را در مرکزی به‌نام بچه‌های آسمان نگهداری می‌کنند. اوایل که به این مرکز رفتم دیدم آنها ساعت‌های زیادی از روز را روی تخت دراز می‌کشند و بدون هیچ کاری سپری می‌کنند. روحیه بسیار بدی دارند و به‌خاطر همین روحیه بد افسرده‌تر از روزهای قبل می‌شدند. معلولیت ذهنیشان هم بیشتر به آنها آسیب می‌زد. چرا که خیلی چیزها را زود فراموش می‌کردند. یک سال و نیم با آنها کار کردم. نقاشی کشیدن را به آنها آموزش دادم. یکی از آنها که اصلاً دست راستش کار نمی‌کرد و نمی‌توانست نقاشی بکشد حالا با هر دو دست نقاشی می‌کشد؛ نقاشی درحد یک تابلوی زیبا که با دیدنش حال آدم خوب می‌شود. بچه‌ای که حالا هم با دست راست نقاشی می‌کشد و هم با دست چپ. هنر می‌تواند هر بیماری ای را خوب کند و تأثیر بسیار خوبی بگذارد. این مثال را زدم تا مردم بدانند حالا در این شرایط که بیماری کرونا در کشور مشاهده شده می‌توانند با هنر روحیه‌شان را سالم نگه دارند. در این سال‌ها که نقاشی می‌کشم یا نمایشگاه‌های بسیاری برپا کرده‌ام از نزدیک دیده‌ام که حتی افرادی که به هنر علاقه‌مند نبوده‌اند روحیاتشان با دیدن یک نقاشی تغییر کرده است.
شاید اکنون نتوانم به مردم بگویم به نگارخانه بیایند تا حالشان کمی خوب شود اما از راه دور از طریق پست‌های اینستاگرام یا استوری‌هایی که می‌گذارم دیده‌ام که حال مردم خوب می‌شود و تقاضا می‌کنند که باز هم نقاشی بگذارم. حتی کشاورزی که در روستا زندگی می‌کند و از فالوورهای من است از لذت بردنش با من حرف زده است. البته علاوه بر نقاشی، موسیقی از هنرهایی است که می‌تواند ساعاتی و لحظاتی را برای انسان رقم بزند تا از آلامش کم شود. حس زیبایی شناسی چه از منظر بصری و چه از منظر شنوایی برای روح و روان آدمی بسیار خوب است. اگر به این سمت حرکت کنیم مردم تخلیه روحی و روانی می‌شوند. در همه جای دنیا یکی از مواردی که برای از بین بردن مشکلات روحی استفاده می‌کنند استفاده از هنر درمانی است.



عکس نوشت

«بی صدا حلزون» جزو ۱۰ فیلم بخش نگاه نو سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر بود که نامش در میان فیلم‌های رزرو بخش مسابقه هم قرار گرفت. بهرنگ دزفولی‌زاده که پیش از این به‌عنوان عکاس سینمایی شناخته می‌شد در اولین تجربه کارگردانی‌اش نه صرفاً به‌خاطر قابلیت‌های سینمایی این اثر بلکه نوع نگاه و تعهد و مسئولیت‌پذیری‌اش در ارائه یک معضل اجتماعی- فرهنگی تحسین شد. او در گفت‌وگویی اعلام کرده که همزمان با اکران سراسری فیلم، در برخی سینماها اکرانی هم برای ناشنوایان خواهد داشت. این کارگردان گفته که تسهیلاتی در نظر گرفته شده تا ناشنوایان براحتی فیلم را ببینند.

شهروند مجازی
یگانه خدامی

هشتگ
کرونا

خبرهایی که بین اخبار مربوط به بیماری کرونا مورد توجه کاربران ایرانی قرار گرفت آتش زدن یک درمانگاه به‌دلیل شایعه بستری بودن چند بیمار مبتلا به کرونا و مثبت شدن تست کرونای فرزند غلامعلی حدادعادل بود.
جمعه شب فیلمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد درباره اینکه پس از پخش شایعه بستری چند بیمار مبتلا به کرونا در یک درمانگاه عده‌ای از ترس آنجا را آتش زده‌اند.
خبری که باعث ناراحتی و تأسف خیلی‌ها شد: «اینقدر بی‌وجدان شدیم که بفهمیم یک ایرانی در نزدیکی ما به خاطر بیماری بستری شده ممکنه کلاً بریم بسوزانیمش که مشکل رو حل کرده باشیم! لازم بود چندماه پیش برای آمادگی اول روانی‌ها رو از جامعه دور می‌کردن.»، «شایعه شده که یه درمانگاه محل نگهداری بیماران کرونایی شده، عده‌ای هم ریختن درمانگاه رو آتش زدن! چی به سرمون اومده که انقدر بیرحم و بی‌مغز شدیم؟! الان خودتون کرونا بگیرید کجا قراره درمان بشید؟!»، «اصلاً میگیم حقیقت داشته و بیمار کرونایی بستری شده مگه اینا آدم نیستن؟ مگه هموطنمون نیستن؟»، «رفتن درمانگاه رو آتیش زدن چون شایعه شده بود بیمار کرونایی بستری کرده! بعدش تکذیب کردن که بیمار کرونایی تو اون درمانگاه بوده؛ کی خسارت درمانگاه رو میده؟ اونایی که آتیش زدن؟ نه! بیت‌المالی که از جیب منو شماست! خب بیجا میکنی آتیش میزنی هموطن!»، «تو لمباردی چینی‌ها رو کتک زدن تو ایران درمانگاه رو آتیش زدن. ترس آدمی رو به مرز انسان نبودن می‌رسونه»، «هنوز قفلم! آخه لامصب! اگه مادر پدرخودتم تو بیمارستان بود این کار رو می‌کردی. واااا اسفا»، «دوباره باید هشتگ مردم برای مردم رو راه بندازیم. وحشت و استرس داره مردم رو از پا میندازه. آتیش زدن بیمارستان زنگ خطر هست.».
ماجرای بعدی این بود که فریدالدین حدادعادل در توئیتر نوشت تست کرونایش مثبت بوده و حالا در خانه و در قرنطینه است. البته او برای این توئیت ایموجی خنده هم گذاشت و همین باعث تعجب و حتی عصبانیت خیلی‌ها شد: «کرونا خنده‌داره آقای حدادعادل؟»، «دفعه پیش که خواستید برید مدرسه، مدرسه تأسیس شد. حالا احتمالاً ته این بیمارستان نرفتن، بیمارستان غیردولتی فرهنگ تأسیس بشه»، «فکر کنم تا یه هفته دیگه خبر تأسیس بیمارستان غیردولتی فرهنگ رو می‌شنویم»، «واقعاً تعجب می‌کنم، کرونا برای شما قلقلکه که می‌خندین، برای بقیه یه بیماری سخته ولی!»، «پسر حداد عادل با ایموجی خنده نوشته کرونایی شدم. ماجرا چیه که مسئولان و ژن‌های خوب همه خیلی فانی کرونا می‌گیرند، اون وقت ملت بدبخت قبل از اینکه جواب تست‌شون بیاد می‌میرند؟»، «مردم از کرونا وحشت دارند و نگران بیمار شدن هستند، بعد فریدالدین حداد عادل، خبر کرونایی شدنش رو میده و می‌خنده! خداییش فکر کنم ورژن کرونای مسئولان و آقازاده‌ها با مردم عادی فرق داره!»، «اینا چرا با خوشحالی اعلام می‌کنند کرونا دارند؟ البته خب حتماً کرونا برای اینا راحت‌تر از مردمی می‌گذره که سرگردون در بیمارستان‌ها برای تست دادن یا گرفتن دارو هستند اما بازم کرونا خنده نداره».

کنایه
به یک زندگی خصوصی

ماجرا

ماجرای عکس‌های آتلیه‌ای و شخصی مهدی طارمی بین اخبار این روزها گم شده بود اما کنایه مهران مدیری به او در برنامه دورهمی طارمی را وادار کرد در اینستاگرامش پاسخ دهد.
او نوشت: «یک بار و تمام! هر فردی یک حریم خصوصی دارد. من هم مثل همه شما مردم زندگی می‌کنم. کارهایی را که همه شما انجام می‌دهید انجام می‌دهم. دو سال پیش برای مدت کوتاهی در یک رابطه خصوصی بودم و هر عکسی از من مربوط به اون زمان می‌شود. امیدوارم برای شما چنین اتفاقی صورت نگیرد که بعضی‌ها هر جوری که دوست داشته باشند در هر فضایی صحبت کنند. یک برنامه تلویزیونی، یک روزنامه ورزشی و فضای مجازی».
برای این پستش هم هشتگ «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» گذاشت.
پاسخ طارمی باعث شد بحث حریم خصوصی دوباره مطرح شود و کاربران زیادی درباره‌اش بنویسند و از مهران مدیری بابت اینکه گفته بود: «قبل از رسمی شدن به آتلیه نروید» گلایه کنند: «مهدی طارمی در مورد رابطه‌اش گفته منم مثل شما مردم زندگی می‌کنم. همه کارهایی که شما انجام میدید رو انجام میدم. به نظرم داره یه اشاره‌های خیلی ریزی میکنه»، «البته که کار مهران مدیری شوخی است و دنده آدمی مثل مهدی طارمی باید پهن‌تر باشد. اما من شخصاً فکر می‌کردم چون خود مهران مدیری در زمانی قربانی همین قضاوت‌ها بوده و مشکلات بزرگی را پشت سرگذاشته توی این شوخی خیلی وسواسی‌تر باشد.»، «واسه خودشیرینی یا جوک گفتن و.... حد و مرز رو رعایت نمی‌کنیم. این شوخی که مدیری کرد بیشتر به درد کانال‌های تلگرامی میخورد نه یه رسانه ملی با این همه بیننده»، «دلم برا طارمی می‌سوزه برای چی درباره رابطه اش انقدر صحبت و حواشی وجود داره مگه چیکار کرده»، «مهدی طارمی چقدر خوب به تمام حاشیه‌ها و چرندیات جواب داد.»، «یه زمانی مهران مدیری شب‌های برره می‌ساخت که هنوزم مسائل روز جامعه ماست ولی الان میاد به عکسای طارمی گیر میده. آقای مدیری نه اون برنامت نه پولی که میگیری ارزش نداره اگه می‌تونی خودت باش وگرنه خواهشاً ساکت باش.
فقط نظر شخصی خودمو گفتم»، «ببخشید وسط کرونا اینطوری مطرح میکنم ولی این عکس‌هایی که داره از طارمی پخش میشه نه خنده دار نه جذابه، یه روزی یه رابطه‌ای بوده دیگه تموم شده رفته، واقعاً آدم متأسف میشه، بعد رابطه عکس‌ها رو میدید بیرون که چی؟!».